



Scientific and Research Pathology of Law Courses on Student Performance and Suggested Solutions

Jafar Farzaneh ¹, Arezoo Javahernia ^{2*}

1 Master of Laws, Tabriz University, Iran

2 PhD Students in Fiqh and Islamic Law, Tabriz Azad University, Iran.

* **Corresponding author:** PhD student in Fiqh and Islamic Law, Tabriz Azad University, Iran.

Received: 2022-07-28

Accepted: 2022-08-30

Abstract

With the passage of time, extensive changes are made in the country's education system, which causes irreparable damage to this system, and legal sciences are not exempt from this, which will lead to weakness in this system. In Ibn Bain, the field of law is not exempt from objections, and most of the objections to this discussion are directed at the professors and in some cases related to the way of recruiting students (recruitment without rules and student exams) as well as the way of providing education, Not covering the students on legal matters, grade-based system, presentation of non-research and only theory of educational materials, and of course research matters. The discontinuity in the teaching method, the resources used, and the management of the faculties are also involved in this matter. According to the topics raised in this research, with field studies and surveys, we will present the main reasons, challenges, and to the best of our ability, solutions for each one. In the section of the main results of law education harms, which are 1- existing problems in law university courses, 2- examination of law enforcement harms, 3- harms in law teaching resources, 4- harms in the management of courses and chapters. According to the field studies, the most important damages in the field of law in the university were: 1 lack of phasing of educational goals 2- communication with career field has a general defect. 3-Studies do not answer the existing needs. 4- Weakness in entrepreneurship, 5- Weakness in interdisciplinary research.

Keywords: Law science, University education, Research, Education weakness, University weakness



آسیب شناسی علمی و پژوهشی دروس حقوق بر عملکرد دانشجویان و راهکارهای پیشنهادی

جعفر فرزانه^۱، آرزو جواهرنیا^{۲*}

^۱ کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه تبریز، ایران

^۲ دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد تبریز، ایران

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد تبریز، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶

چکیده

با گذر زمان در سیستم آموزش کشور تغییرات گسترده ای صورت میپذیرد که موجب ایجاد آسیب های جبران ناپذیری به این نظام میشود که علوم حقوق از این امر مستثنی نیست که به تبع آن ضعف در این سیستم را بدنبال خواهد داشت. در این بین رشته حقوق مستثنی از ایرادات نبوده و بیشینه ایرادات وارد بر این بحث متوجه استادان (نحوه استخدام اساتید، کارهای غیر علمی اساتید) و در برخی موارد متعلق به نحوه جذب دانشجو (جذب بدون ضابطه و آزمون دانشجو) همچنین نحوه ارائه آموزش (عدم احاطه دانشجو بر مطالب حقوقی، سیستم نمره محور، ارائه غیر پژوهشی و صرفاً تئوری مطالب آموزشی) و البته موارد پژوهشی میباشد. گسستگی در شیوه تدریس، منابع مورد استفاده، مدیریت دانشکده ها نیز در این خصوص دخیل میباشد. با توجه به مباحث مطرح شده در این تحقیق با مطالعات میدانی و نظرسنجی، عمده دلایل، چالش شناسایی و در حد توان نسبت به هر یک راه کارهایی ارائه نماییم. در بخش نتایج عمده آسیب های آموزشی حقوق که عبارتند از ۱- مشکلات موجود بر رشته های دانشگاهی حقوق ۲- بررسی آسیب های اجرایی علوم حقوق ۳- آسیب های موجود در منابع تدریسی حقوق ۴- آسیب های موجود در مدیریت دروس و سرفصل ها. با توجه به مطالعات میدانی صورت گرفته مهمترین آسیب های حوزه رشته حقوق در دانشگاه متوجه این موارد بود: ۱- نبود گام بندی اهداف آموزش ۲- ارتباط با رشته شغلی دچار نقص کلی میباشد. ۳- مطالعات جواب گوی نیاز های موجود نمیشد ۴- ضعف در کارآفرینی، ۵- ضعف در پژوهش های میان رشته ای

واژگان کلیدی: علم حقوق، آموزش دانشگاه، پژوهش، ضعف آموزش، ضعف دانشگاه

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو در علوم تربیتی محفوظ است.

۱- مقدمه

عوامل سلبی یا ایجابی محدود کننده برای توسعه و ارتقای آموزش حقوق در دانشگاههای کشور است. برخی از آسیب ها ناشی از درونداهای نظام آموزشی حقوق است و برخی آسیب ها ناشی از اوضاع اجتماعی، نظام مدیریتی، ساختار و سیاست هایی است که از بیرون بر نظام آموزش حقوق حاکم است. رابطه میان برخی از آسیب ها رابطه علت و معلولی است. به این معنا که برخی از آسیب ها عامل و برخی دیگر معلول به حساب می آیند.

حقوق آسیب های آموزش حقوق از زوایای مختلف و براساس قسمتهای متفاوت قابل طبقه بندی و تقسیم است. هرچه این طبقه بندی ها دقیق تر باشد ما خواهیم توانست درک و دریافت صحیح تری از آسیب ها داشته باشیم و در مقام رفع و حل آن راهکارهای دقیق تر و مطمئن تری را پیش رو خواهیم داشت. منظور از آسیب های آموزش حقوق در ایران شناسایی وضعیت و

دیدگاه های خود را ارسال نمایند. این مقاله حاصل مباحث مطرح شده و تحقیق نگارندگان است که اکنون در اختیار خوانندگان و جامعه حقوقی کشور و دست اندرکاران نظام آموزش عالی قرار می گیرد. امید است این تلاش در بهسازی و بالندگی نظام حقوقی کشورمان مؤثر باشد.

مطالب در دو بخش ارائه می شود: در بخش نخست آسیب ها و چالش هایی که نظام آموزش و پژوهش حقوق در ایران با آن روبه رو است، و در بخش دوم، راهکارهای مقابله با آنها بررسی می شود.

نظام آموزش و پژوهش حقوق در ایران دارای آسیبها و نقایصی است که برای بالندگی این رشته از علوم انسانی در ایران باید نسبت به رفع آنها چاره اندیشی کرد؛ وگرنه روزبه روز آثار زیانبار آنها بیشتر خواهد شد. البته برخی از آسیبها به رشته حقوق اختصاص ندارد و از آفتهای نظام حاکم بر آموزش عالی در همه رشته های علوم انسانی است، اما برخی دیگر، اختصاص به رشته حقوق دارد. موضوعات مطرح شده در این مقاله، عناوینی اند که تمام استادان برجسته و حقوق دانانی که در این زمینه اظهار نظر کرده اند یا از آنها نظرخواهی شده است، نسبت به آن اتفاق نظر دارند.

موضوعاً ناظر به رشته های دانشگاهی حقوق است و طیف دیگرناظر به نظام اجرایی و عملی آموزش حقوق و همچنین موضع و جایگاه پدیداری آسیب هابعضاً سرفصل های آموزش حقوق است و برخی دیگر متون آموزشی حقوق به نظر می رسد که این طبقه بندی از آسیب های آموزش حقوق نسبت به محورها و موضوعات مصوب کنگره ملی علوم انسانی نزدیک تر باشد. براین اساس در این مقاله طبقه بندی آسیب های آموزشی حقوق ایران از همین سبک تبعیت خواهد کرد. لذا در ابتدا آسیب های ناظر به رشته های دانشگاهی حقوق بررسی می شود و آنگاه آسیب های ناظر به نظام اجرایی آموزش حقوق مطرح خواهد شد و در ادامه آسیب های مربوط به متون آموزشی حقوق بررسی می شود و در نهایت از آسیب های موجود در ارتباط با سرفصل های آموزش حقوق یاد خواهیم کرد. ناگفته پیداست که به اقتضای موضوع واهداف این تحقیق، تمرکز مباحث بر آسیب های مرتبط با حوزه آموزش حقوق است.

۲- روش تحقیق

در این بررسی آسیب هایی که گریبان گیررشته های دانشگاهی حقوق است به شرح جدول شماره ۱ طبقه بندی شده است.

برخی از آسیب ها محدود به رشته حقوق نیست و به طور عام برنظام آموزش رسمی کشور عارض شده است اما اکثر آسیب هایی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته اند آسیب های خاص نظام آموزشی حقوق است. آسیب های موجود در حوزه آموزش حقوق از نظر موضع پدیداری و موضوع پیدایی نیز قابل تقسیم است. علم حقوق جایگاه خاصی در میان دیگر رشته های علوم انسانی دارد و این به دلیل نقش برجسته آن در زندگی اجتماعی انسان هاست. اگر در جامعه نظم و انضباط حاکم نباشد، بی نظمی و هرج و مرج و نابسامانی ایجاد میشود و نظم و انضباط جز در سایه وجود مقررات حقوقی حاکم بر شئون جامعه به وجود نمی آید. به دلیل ارتباط تنگاتنگی که میان قواعد حقوقی و سایر نهادها و امور اجتماعی (فرهنگ، مذهب، عرف و عادت، وضعیت اقتصادی و...) وجود دارد، در طول تاریخ بشری نظام های حقوقی نیز همپای تحولات جامعه دستخوش تغییر شده اند؛ نظام حقوقی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. نویسندگان این مقاله، وضعیت علم حقوق و تحولات آن در فاصله زمانی ورود اسلام به ایران تا انقلاب اسلامی را در مقاله ای جداگانه بررسی کرده اند که در مجله حقوق تطبیقی دانشگاه تهران به چاپ رسیده است [۱]. پیروزی انقلاب اسلامی موجب دگرگونی عظیمی در نظام حقوقی ایران گردید و حقوق اسلام به عنوان مبنای نظام حقوقی برگزیده شد و همه نهادهای حقوقی در خدمت این آرمان به کار گرفته شدند. تفصیل این دگرگونیها نیز در مقاله ای جداگانه بررسی شد که در مجله حقوق تطبیقی دانشگاه تهران به چاپ رسید [۱]. اما باوجود مزایای چشمگیری که این تحولات برای نظام حقوقی ایران داشته است از جمله اسلامی شدن نظام حقوقی و...، به مرور، در طی سه دهه که از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد (به ویژه در دهه سوم)، تغییرات و دگرگونی هایی در زمینه آموزش و پژوهش حقوق صورت گرفته که نه تنها موجب رشد و نمو نهال نظام حقوقی ایرانی- اسلامی ما نشده، بلکه گاه موجب ضعف و سستی آن گردیده که پایین آمدن کیفیت آموزش و پژوهش حقوق و سطح علمی دانشجویان و استادان حقوق از جمله آنهاست برای آسیب شناسی نظام آموزش و پژوهش حقوقی، بر آن شدیم که در مقاله ای مستقل آسیب های نظام آموزش و پژوهش حقوق را با استفاده از دیدگاههای اندیشمندان و دست اندرکاران حقوق کاوش و مطالعه کنیم و تا حد ممکن راه حل هایی برای رفع آن ارائه دهیم. به منظور تکمیل تحقیقات و بهره مندی از نظریات استادان حقوق، نخست خلاصه پژوهش پیشین برای بیش از ۲۵ نفر از استادان برجسته و پیشکسوت و صاحب نظر حقوق که در دانشگاههای معتبر کشور سال ها به تدریس اشتغال داشته و دارند، ارسال گردید و از آنها درخواست شد که

جدول ۱: آسیب های رشته دانشگاهی حقوق، منبع [۳، ۴]

ردیف	عنوان
۱	فقدان مطالعات میان رشته ای و فرا تخصصی رشته های حقوقی
۲	نظام حاکم بر ارتقا و ترفیع اعضای هیئت علمی
۳	ضعف ارتباط مستقیم رشته های تحصیلی حقوق با رشته شغلی آن
۴	ضعف سلسله مراتب اهداف در رشته های دانشگاهی حقوق
۵	ضعف و ناکارآمدی ضوابط مربوط به ایجاد رشته های حقوق
۶	شیوه جذب اعضای هیئت علمی
۷	بازنشسته کردن استادان پیشکست
۸	ناسازگاری وضعیت رشته های حقوق با جایگاه آن در اسناد ملی
۹	کمبود منابع تخصصی معتبر و به ویژه مجلات تخصصی
۱۰	ضعف کارآفرینی و تجاری سازی دانش در رشته های حقوق
۱۱	اکتفا به آموزش نظری و روبه رو نشدن دانشجو با مسائل عملی
۱۲	انباشت مطالب حفظی به جای فهم مسائل استدلالی
۱۳	بازنگری نشدن سرفصل آموزشی متناسب با نیازهای روز
۱۴	پذیرش دانشجوی بدون آزمون
۱۵	مسائل مربوط به مدیریت دانشگاه ها

حقوق در ارتباطی تنگاتنگ با همه رشته های تخصصی قرار دارد زیر حقوق «از روابط انسان اجتماعی بحث می کند» [۳]. و به عبارت دیگری در ایجاد قواعد حقوقی از حوادث اجتماعی در همه شئون و انواع آن و نیز از آرمانهای اخلاقی استفاده می شود لذا باید نیازمندی های اجتماع را در همه شئون و رشته های مختلف تشخیص [۲] و از اینجا اهمیت مطالعه میان رشته ای در حوزه حقوق به صورت مضاعف روشن می شود. در حال حاضر رشته های دانشگاهی حقوق به گونه ای است که محتوای آنها حداکثر ناظر به محتوای حقوقی است و نسبت به محتوای دانشگاهی زمینهای حقوق با فقر و فقد محتوا مواجه است البته اخیر آرشه حقوق اقتصادی طراحی شده و در حال اجراست اما واقعیت این است که رشته حقوق باید به صورت بین رشته ای در تمام زمینه های مرتبط مطرح شود در این صورت انبوهی از رشته های بین رشته ای حقوق پدید خواهد آمد که محتوای آن ناظر به دانش حقوق به علاوه زمینه تخصصی حقوق خواهد بود. بر این اساس مطالعات حقوق مضاف» در حوزه های مختلف پدید خواهد آمد و موجب توسعه علمی و پدیداری مرزهای جدید در منظومه رشته های حقوق خواهد بود. در بخش دیگر این تحقیق تلاش خواهد شد تا دهها عنوان از زمینه های پایداری مطالعات این رشته ای حقوق پیشنهاد شود.

– نظام حاکم بر ارتقا و ترفیع اعضای هیئت علمی

یکی از موضوعاتی که به طور مستقیم بر رشد و تربیت اعضای هیئت علمی، و به شکل غیرمستقیم بر نظام آموزش و پژوهش حقوق تأثیر می گذارد، نظام حاکم بر ترفیع و ارتقای استادان است، کافی است استادی چند مقاله ISI داشته باشد، حتی اگر خودش هم به زبان خارجی مسلط نباشد، مهم نیست؛ در حالی که این امر به ویژه در رشته های علوم انسانی درست نیست خصوصاً با توجه به اینکه متأسفانه می توان با پرداخت مبلغی پول گواهی چاپ مقاله یکی از مجلات ISI را به دست آورد. برای نمونه در رشته حقوق اگر استادی در حقوق اسلامی با فقه اسلامی فعالیت داشته باشد (مثلاً نظریه شیخ انصاری در فلان مسئله فقهی با اصولی را بررسی و نقد کند) ارزش چندانی به آن داده نمیشود. این امر موجب شده که اقبال استادان به تدریس و پژوهش در زمینه حقوق اسلامی و فقه امامیه، که اساس حقوق ملی ما را تشکیل می دهد، کمتر شود و حتی استادانی که برای تدریس این درس ها جذب می شوند، به مرور از تدریس آن خودداری کرده، به درسهای دیگر حقوق روی می آورند [۴].

نظام آموزش و پژوهش حقوق در ایران دارای آسیبها و نقایصی است که برای بالندگی این رشته از علوم انسانی در ایران باید نسبت به رفع آنها چاره اندیشی کرد؛ وگرنه روزه روز آثار زیانبار آنها بیشتر خواهد شد. البته برخی از آسیبها به رشته حقوق اختصاص ندارد و از آفتهای نظام حاکم بر آموزش عالی در همه رشته های علوم انسانی است، اما برخی دیگر، اختصاص به رشته حقوق دارد. موضوعات مطرح شده در این مقاله، عناوینی اند که تمام استادان برجسته و حقوق دانانی که در این زمینه اظهار نظر کرده اند یا از آنها نظرخواهی شده است، نسبت به آن اتفاق نظر دارند. برای سهولت مطالعه و بررسی، این آسیب ها را به شش دسته تقسیم کرده ایم.

– فقدان مطالعات میان رشته ای و فرا تخصصی رشته های حقوقی

در این میان رشته های دانشگاهی حقوق با فقر مطالعات میان رشته ای به صورت مضاعف و تشدید شده ای مواجه است. وجه مضاعف بودن این مشکل در حوزه رشته های دانشگاهی حقوق از آن جهت است که از یک سو مطالعات میان رشته ای به عنوان ضرورت توسعه علمی در ارتباط با همه رشته ها مطرح است و از دیگر سوی رشته حقوق به طور خاص از ماهیتی فرا تخصصی و میان رشته ای برخوردار است و صرف نظر از ضرورت توسعه رشته های ((میان رشته ای)) ماهیت و موضوع

– ضعف ارتباط مستقیم رشته های تحصیلی حقوق با رشته شغلی آن

در حال حاضر طیف وسیعی از مشاغل به دانش آموختگان حقوقی اختصاص یافته است. رشته های شغلی مزبور از تنوع بسیاری برخوردار است و وظایف شاغلان در هر یک از رشته های شغلی با یکدیگر کاملاً متفاوت است. در یک طبقه بندی از رشته های شغلی حقوقی میتوان آنها را به شش رشته شغلی اصلی و بیش از بیست رشته شغلی فرعی تقسیم کرد. این طبقه بندی در جدول ۲ درج شده است.

جدول ۲: طبقه بندی رشته های مشاغل حقوقی

ردیف	رشته شغلی اصلی	رشته شغلی فرعی
۱	مشاغل اداری	ستاد قوه قضائیه، نیروهای مسلح، وزارتخانه ها
۲	مشاغل قضایی	دادسرا، دادگاه، دیوان عالی، مراجع شبه قضایی
۳	مدرسی حقوق	مراجع دانشگاهی، مراجع غیر رسمی
۴	تحقیق و نویسندگی حقوق	موضوعات تخصصی و عمومی حقوق
۵	مشاغل آزاد حقوق	وکالت، سردفتر، مشاوره حقوقی
۶	سایر مشاغل حقوق	قانونگذاری، مدیریتی، مشورتی

وقتی رشته های دانشگاهی حقوق را در مقایسه با رشته های شغلی حقوق می سنجمیم به دونگته کاملاً مهم می رسمیم؛ نکته اول این که وظایف شاغلان در هر یک از رشته های شغلی حقوق کاملاً از دیگری متفاوت است. نکته دوم اینکه رشته های دانشگاهی حقوق متناسب با تفاوت های رشته های شغلی حقوق طراحی نشده است. به عبارت دیگر کسی که میخواهد در رشته شغلی سردفتری مشغول به کار شود از نظر رشته دانشگاهی با کسی که میخواهد در رشته شغلی مدرسی حقوق مشغول به کار شود هیچ تفاوتی ندارد.

– ضعف سلسله مراتب اهداف در رشته های دانشگاهی حقوق

رشته های دانشگاهی حقوق در پیوند با نظام بالا دستی خود جزئی از نظام آموزش عالی کشور است و در پیوند با نظام پایین دستی خود تشکیل شده از اجزایی است که هر یک از رشته های دانشگاهی حقوق یکی از آنها است. آنچه مهم است تدوین و سازگاری سلسله مراتب اهداف [۵] رشته های حقوق در پیوند با نظام بالادستی و پایین دستی آنهاست. متأسفانه اهداف بالادستی رشته های حقوق که همان اهداف نظام آموزش

عالی است از (ابهام پذیری) و شناوری بالایی برخوردار است این اهداف متناسب با وضعیت چشم انداز بیست ساله کشور باید باز تنظیم شود و پس از این امر میتوان اهداف رشته های حقوق به طور کلی و اهداف پایین دستی هر یک از رشته های حقوق را به طور خاص تدوین کرد. به نظر میرسد اهداف اصلی نظام آموزش در ۵ محور به شرح زیر قابل طبقه بندی است [۶]

۱- عرضه خدمات مورد نیاز جامعه

۲- یاددهی - یادگیری (آموزش)

۳- پژوهش

۴- دانش پژوهی (سازماندهی و عصاره کردن دانش موجود)

۵- اداره امور دانشگاهی

– ضعف و ناکارآمدی ضوابط مربوط به ایجاد رشته های حقوق

برای ایجاد رشته های حقوقی ضوابط و معیارهای مدونی وجود ندارد. رشته های موجود فعلی نیز از ضوابط و معیارهای همگن و یکنواختی تبعیت نمیکند. حافظه سازمانی و مستندات مربوط به این ضوابط وضعیت روشنی ندارد. این مسئله موجب شده است که از یک طرف برخی از رشته های حقوقی موجود بدون داشتن اولویت و الزامات معناداری دائرشود و مشکلات دانش آموختگان جویای کار در این حوزه پدید آورد و از طرف دیگر بعضی از رشته های حقوقی با وجود داشتن اولویت و اثربخشی لازم جایگاهی پیدا نکند. عناوین برخی از رشته ها با نگاهی به آنچه در این مقاله آمده قابل شناسایی است. برای تدوین معیارهای ایجاد رشته های جدید حقوق باید اصولاً ضوابط و معیارهای مدنظر در ایجاد رشته های فعلی حقوق شناسایی شود و ثانیاً بازنگری و باز تنظیم این ضوابط و معیارها با توجه به سلسله مراتب اهداف آموزش حقوق انجام شود. ثالثاً رعایت معیارهای مصوب در ایجاد رشته های دانشگاهی جدید کاملاً جدی گرفته شده و رعایت شود. زیرا دیده شده است که برخی از معیارهایی که تاکنون هم نوشته شده است جدی گرفته نمیشود و معیارهایی چون توان چانه زنی متقاضی و امثال آن گاهی اولویت یافته است.

– شیوه جذب اعضای هیئت علمی

با توجه به گسترش مراکز آموزش عالی در دو دهه اخیر به ویژه در دهه ۸۰ اعضای هیئت علمی بدون ضابطه و ارزیابی توانایی علمی و عملی آنان و صرفاً بر مبنای مدرک دانشگاهی با مسائل دیگر جذب مراکز آموزش عالی شده اند، به گونه ای که در دهه ۷۰ چه بسا اشخاصی که دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند و از دهه ۸۰ نیز افرادی به صرف دارا بودن مدرک دکتری به

جایگاه مطلوب رشته های حقوق در اسناد ملی توسعه را نشان دهد

- مطابق سند چشم انداز باید در جایگاه اول علمی منطقه قرار بگیریم

- مطابق بنددال ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه لازم است بازنگری در رشته های دانشگاهی بر مبنای نیازهای اجتماعی، بازار کار و تحولات علمی در راستای توسعه علوم میان رشته ای با تأکید بر علوم انسانی انجام شود.

- مطابق ماده ۴۳ قانون برنامه چهارم و برای تحقق توسعه مبتنی بر دانایی و اقتصاد مبتنی بر دانش دولت مکلف به انجام اموری شده است اما برای شناخت وضعیت کنونی رشته های حقوق با توجه به مباحث پیشین کافی است به گزاره های ذیل توجه شود - مطالعات میان رشته ای در حوزه حقوق هنوز رسمیت لازم را ندارد

- کارآفرینی و تجاری سازی و توجه به نیاز بازار کار در طراحی و اجرای رشته های حقوق مبنای سنجش و بررسی به حساب نمی آید

- سلسله مراتب اهداف در رشته های حقوق تدوین نشده است.
- پوشش موضوعی رشته های حقوق در سطوح فراگیری قرار ندارد و نیاز به ایجاد دهها عنوان رشته جدید هست
- ضوابط و معیارهای ایجاد رشته در حوزه حقوق مدون نیست. بر این اساس نتیجه می گیریم که جایگاه فعلی رشته های حقوق با وضعیت مطلوب آن که در اسناد ملی توسعه آمده است فاصله بسیاری دارد و لازم است که به عنوان یک ای مورد مطالعه و برنامه ریزی دارید.

- کمبود منابع تخصصی معتبر و به ویژه مجلات تخصصی

مشکل دیگری که در خصوص آموزش و پژوهش حقوق وجود دارد (شاید اختصاص به رشته حقوق نداشته باشد)، کمبود منابع تخصصی و فقر کتابخانه های حقوقی است. اگر از کتابخانه های دانشگاه های درجه ۲ و ۳ بگذریم، حتی کتابخانه های دانشگاه های معتبر مانند دانشگاه تهران که قبل از انقلاب یکی از غنی ترین کتابخانه ها بوده، پس از انقلاب به مرور فقیر شده، به ندرت کتاب های جدید و معتبر خارجی به آن افزوده شده است و از مجلات خارجی هم خبری نیست. براین اساس منابع موجود بیشتر مربوط به ۲۰ تا ۵۰ سال قبل است که حتی یعنی از گروه های حقوق کتابخانه تحت حسنی ندارند.

عنوان عضو هیئت علمی وارد دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی شدند، و در حال حاضر نیز در مؤسسات آموزش عالی تیب دو و سه افراد به صرف داشتن مدرک دکتری می توانند به عنوان عضو هیئت علمی جذب شوند. این وضعیت با سلب اختیار از گروههای آموزشی دانشگاهها و تمرکز جذب در وزارت علوم بدتر شده است و اعمال سلیقه ها و به ویژه گرایش های سیاسی در جذب استادان اهمیت بیشتری یافته است تا صلاحیت علمی، در حالی که معلمی هنری است که شخص به صرف دارا بودن مدرک دکتری در یک رشته نمی تواند از آن برخوردار باشد.

- بازنشسته کردن استادان پیشکست

این امر سبب شده که نسل جوان استادان از تجربه نسل پیش از خود بی بهره باشند، در آیین نامه استخدامی اعضای هیئت علمی سن بازنشستگی ۶۵ سال اعلام شده بود، ولی هیئت رئیسه دانشگاه ها این اختیار را داشتند استادی را که فعال و پانشاط بود تا ۷۰ سالگی به خدمت گیرند و برای سن بیش از ۷۰ سال هم هیئت امنای دانشگاه حق تصمیم گیری داشت. در گذشته از این ظرفیت قانونی استفاده می شد و در عمل استادان تا زمانی که به لحاظ جسمی و روحی توانایی حضور در کلاس و انجام وظایف آموزشی را داشتند به خدمت خود ادامه می دادند. اما در چند سال اخیر، برخلاف آیین نامه و بر مبنای مقررات عام استخدامی، بسیاری از استادان که هنوز به سن ۶۵ سال نرسیده بودند، بر مبنای ۳۰ سال خدمت بازنشسته شدند و بیشتر کسانی را هم که به سن ۶۵ سال رسیده بودند، بازنشسته کردند که این خود جای انتقاد دارد. در آیین نامه جدید استخدامی اعضای هیئت علمی که از سال ۱۳۹۱ لازم الاجرا شده است، در خصوص استادیاران با ۶۵ سال سن یا ۳۰ سال سابقه خدمت، درباره دانشیاران با ۶۷ سال سن، و در خصوص استادان با ۷۰ سال سن، دانشگاه مکلف است آنها را بازنشسته کند (ماده ۹۶). به علاوه در شرایط خاص رئیس دانشگاه می تواند با موافقت وزیر علوم، دانشیاران و استادان دارای ۳۰ سال خدمت را بازنشسته کند، هرچند به سن ۶۷ یا ۷۰ سال نرسیده باشند (تبصره ماده ۹۷).

- ناسازگاری وضعیت رشته های حقوق با جایگاه آن در اسناد ملی

برای این که نسبت میان جایگاه فعلی رشته های حقوق رابا الزامات و جایگاه آن در سند چشم انداز و برنامه چهارم بدانیم لازم است الزامات هریک از اسناد ملی توسعه کشور به صورتی دقیق و شفاف تعیین شده باشد. متأسفانه تاکنون این موارد تدوین نشده است. اما گزاره های ذیل می تواند مختصاتی از

– ضعف کارآفرینی و تجاری سازی دانش در رشته های حقوق

به طور سنتی رشته های دانشگاهی حقوق از در وصف کارآفرینی و تجاری سازی بالایی برخوردار بوده است. اما این دو ویژگی در دهه های اخیر به شکل چشمگیری روبه کاستی دارد. به عبارت دیگر ضریب وابستگی دانش آموختگان رشته های حقوق به مشاغل اداری و دولتی در چند سال اخیر افزایش یافته است و در نتیجه کارآفرینی در این رشته ها کاهش داشته است. و همچنین رشته های دانشگاهی حقوق در پارک ها و مراکز رشد فناوری و بازارهای آموزش و نیز در پژوهش و بازارهای ایده و فناوری هیچ جایگاه شناخته شده ای ندارد در حالی که این مراکز به عنوان عوامل موثر در تجاری سازی دانش ایفای نق می کنند برای مستند شدن گاه کارآفرینی در رشته های حقوق کافی است توجه شود که هم اکنون شاخص مربوط دانش آموختگان حقوق جویای کار از نظر قدر ملت عددی بیشتر از دو هزار نفر را نشان می دهد[۷].

– اکتفا به آموزش نظری و روبه رو نشدن دانشجویان مسائل عملی

یکی از آفت های نظام آموزشی حقوق آن است که دانشجویان اغلب مسائل نظری و نظریه های حقوقی را (آن هم به طور ناقص) فرا می گیرند و از مسائل عملی که در زندگی روزمره مردم اتفاق می افتد و در دادگاهها مطرح می شود بیگانه و بی اطلاع اند. در حالی که قدرت استنباط و توانایی تطبیق قضایای جزئی بر اصول کلی، که اساس علم حقوق است، وقتی شکوفا می شود که شخص با موضوعات مختلف عملی روبه رو شود و استنباط احکام آن ها از روی قوانین و اصول حقوقی را تمرین کند؛ وگرنه صرف حفظ قوانین و احکام حقوقی فایده چندانی ندارد. بحث و بررسی آرای قضایی می تواند در این زمینه نقش مهمی داشته باشد. از سوی دیگر، به دلیل نبود ارتباط میان دانشگاه ها و دستگاه قضاء در بسیاری از موضوعات، بین آنچه در نظریه های حقوقی و دانشگاه ها مطرح می شود، با آنچه در عمل در احکام دادگاه ها رخ می دهد، تفاوت وجود دارد. بنابراین آگاهی از روی احساسی و نقد آن بسیار مهم است و شایسته است دانشجویان حقوق کارآموری حین تحصیل داشته باشند یا حداقل با تشکیل دادگاه های حضوری، با مسائل تخرمی آشنا شوند.

– انباشت مطالب حفظی به جای فهم مسائل استدلالی

هم اکنون روش آموزش حقوق (حتی در بیشتر دانشگاههای معتبر و درجه یک) به گونه ای است که فقط به محفوظات دانشجویان افزوده می شود و به استدلال و ایجاد و تقویت قوه استنباط که اساس رشته حقوق است، پرداخته نشده، یا کمتر توجه می شود روش تدریس حقوق، بیشتر روش خطابی است؛ استاد به صورت متکلم وحده مطالبی را برای دانشجویان بیان می کند، بدون آنکه پرسش و پاسخی مطرح شود و اغلب دانشجویان نقش فعالی در کلاس ندارند و صرفا به حفظ مطالب بیان شده از سوی استاد یا مطالب کتاب اکتفا می کنند و در جلسه امتحان نیز مطالب محفوظ را پس می دهند. این شیوه در گذشته، بیشتر در مقطع کارشناسی حقوق متداول بود، اما اکنون به مقایسه کارشناسی ارشد و دکتری نیز تسری یافته است، در حالی که روش تدریس حقوق باید بیشتر عملی یا شاگرد محوری و به صورت گفت و شنود باشد؛ یعنی دانشجو باید به روش های مختلف در مباحث مطرح شده در کلاس همکاری داشته، به نقد و تجزیه و تحلیل مسائل مختلف بپردازد تا قوه تجزیه و تحلیل و استنباط وی افزایش یابد، نه محفوظات او به این منظور شایسته است که استاد افزون بر شرح مطالب بنیادی مسائل و موضوعات را در قالب سؤال یا فرع حقوقی مطرح کند و سپس در مقام پاسخ ضمن طرح نظریه های مختلف و تجزیه و تحلیل آنها، با مشارکت دانشجویان، در نهایت پاسخ درست و مورد نظر خود را بیان کند و در این خصوص از نظر دانشجویان که (بیش تر در آن خود مطالعه کرده اند) بهره برد. در این روش، دانشجو ضمن وادار شدن به مطالعه بیشتر، به فکر کردن و اندیشیدن تشویق شده، قدرت تجزیه و تحلیل مسائل جدی وفود استاد و ادای دی باند و استاد می تواند در این طرح مسائل و حریه و تحلیل حقوقی آنها روش استنباط و حل مسائل حقوقی را به دانشجو بیاموزد.

– بازنگری نشدن سرفصل آموزشی متناسب با نیازهای روز

نقص دیگر آموزش حقوق در ایران، آن است که سرفصل ها و عنوان درس ها اغلب قدیمی هستند و به ندرت بازنگری می شوند. بدیهی است با توجه به تغییر زمان و حدوث موضوعات جدید، ضرورت دارد که عنوان ها و سرفصل ها هم تغییر کرده، به روز شوند البته گاهی استادان مسائل و تحولات جدید حقوقی را که در برنامه پیش بینی نشده است، در درس های خود مطرح می کنند، اما کافی به نظر نمی رسد، وانگهی شاید به برخی از عنوان های درسی نیاز نباشد (به ویژه در مقاطع

نظامهای حقوقی و نظام های آموزش عالی استفاده شده است. البته آنچه در اینجا به عنوان راه حل ارائه شده است، جنبه انحصاری ندارد و شاید اگر تأمل بیشتری شود راه حل های دیگری به ذهن برسد، اما آنچه بیشتر مدنظر نویسندگان بوده راهکارهایی است که امکان اجرایی شدن آن ها در کوتاه مدت وجود دارد. بر همین اساس با توجه به آسب شناسی های صورت گرفته در بخش قبل راه کار و پیشنهادهایی به شرح ذیل جهت ارائه راهکار ارائه میشود:

۱- چون نقش و سهم آسیب های آموزش حقوق در ایران مستقیماً در توسعه ملی و عملی کشور مؤثر است ضرورت دارانجام این مهم توسط وزارت علوم با همکاری دستگاه های مربوط جدی گرفته شود.

۲- برای توسعه رشته های دانشگاهی حقوق و تحقیق الزامات و احکام اسناد ملی توسعه کشور و تأمین نیازهای اجتماعی و انجام مطالعات بین رشته ای حقوق پیش می شود چهل عنوان رشته با گرایش تخصصی و جدید به شرح منعکس در متن

۳- اهداف نظام آموزش حقوق درارتباط و پیوندی منعلقی و متناظر با نظام بالا دستی آموزش عالی کشور و نظام بانی دستی (رشته های دانشگاهی موجود) تنظیم شود.

۴- محتوا و روش های آموزشی در رشته های دانشگاهی حقوق از زوایه کارآفرینی و تجاری سازی دانش بازنگری شود.

۵- برای ایجاد ارتباط مؤثر میان رشته های دانشگاهی حقوقی با رشته های شغلی حقوق پیشنهاد می شود عند واحد درسی با عنوان واحدهای گرایش شغل و متناسب با وظایف هر یک از رشته های شغلی در رشته های دانشگاهی گنجانده شود

۶- ضوابط و معیارهای مربوط به ایجاد رشته های دانشگاهی حقوق تدوین شود

۷- شاخص های مربوط به کیفیت آموزش حقوق مدرن شده و برای رفع ناهمترازی مجریان آموزش حقوق حداقلهای استاندارد مربوط تعیین و کنترل شود.

۸- مقررات آموزشی از انعطافی برخوردار شود تا دانشجویان مجاز باشند حداکثر تا ۳ واحد درسی متناسب با نیاز و علاقه فردی خود علاوه بر واحدهای دانشگاهی و به عنوان رشته فرعی انتخاب کرده و در پایان مدرک مربوط نیز دریافت کنند.

۹- ضوابط و شرایط مدرسی حقوق تدوین شود. در این ضوابط آشنایی با فلسفه، فناوری، اهداف، روش های آموزشی و فنون و مهارتهای تدریس گنجانده شود

۱۰- ساز و کار ارزشیابی تکوینی و پایانی در حوزه آموزشهای حقوقی باز تنظیم شود

۱۱- مطالعات جغرافیایی حقوق به معنای آشنایی با سازمانها، مشاغل، رشته ها، قوانین و کتاب های حقوقی متناسب با

کارشناسی) از سوی دیگر عنوان ها و موضوعات بسیار ضروری و کاربردی وجود دارند که در واحدهای اجباری و حتی اختیاری درس های ارائه شده دیده نمی شوند. براین اساس ضرورت دارد یک بازنگری اساسی همراه با کارشناسی در درس ها و سرفصل ها صورت گیرد.

پذیرش دانشجوی بدون آزمون

متأسفانه به بهانه مشکلات مالی مؤسسات و دانشگاهها (و گاه با انگیزه های دیگر) در سال های اخیر بسیاری از دانشگاه ها، حتی دانشگاه های رتبه اول، بدون آزمون به پذیرش دانشجو در مقطع دکتری مبادرت کرده اند. این امر سبب شده که بسیاری از افراد سودجو که سال ها پشت کنکور مانده و به لحاظ علمی توانایی شرکت در آزمون و ورود به این مقطع را نداشتند، بدون داشتن حداقل معلومات وارد مقطع دکتری شوند، که کار درستی نیست زیرا چند سال دیگر همین افراد فارغ التحصیل شده، احیاناً برخی از آنها عضو هیئت علمی خواهند شد. آنچه مسلم است این امر موجب ازبین رفتن شأن و منزلت علم حقوق و دانشجوی دکتری شده و این کار به نوعی مدرک فروشی است.

مسائل مربوط به مدیریت دانشگاه ها

مسائل مربوط به مدیریت دانشگاهها مدیریت دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی نیز بی اشکال نیست. در حالی که در گذشته، مدیریت دانشگاه ها تا حد زیادی انتخابی بود (چنان که مدیر گروه های آموزشی را اعضای هیئت علمی انتخاب می کردند و در گذشته ای دورتر، رؤسای دانشکده ها هم انتخابی بودند. امروزه همه این سمت ها انتصابی و تاحدی سیاسی شده است. در گذشته معمولاً افراد شایسته و باتجربه و مورد قبول و اعتماد دانشگاهیان و نوعاً غیر سیاسی به سمت مدیریت با ریاست تعیین می شدند، اما امروزه چه بسا افرادی منصوب می شوند که شایستگی با تجربه کافی در مدیریت دانشگاهی - که متفاوت از مدیریت دستگاه های اجرایی است ندارند و این وضع در کیفیت آموزش و پژوهش مؤثر، و یکی از آفت های نام دانشگاهی است.

۳- یافته های تحقیق

در بخش نخست، آسیب های نظام آموزش و پژوهش حقوقی شمرده، و راه حل های رفع آن ها نیز تا حدودی روشن شده است، باوجوداین، در این بخش تلاش شده است راهکارهایی که زمینه رفع نقایص و بالندگی نظام حقوقی ما را فراهم می کند، ارائه گردد. در این خصوص، هم از دیدگاههای استادان پیشکسوت و دیگر صاحب نظران حقوق و هم از تجربیات دیگر

مستقل دانشجو جذب کنند. این امر امکان ارزیابی دقیق تر صلاحیت علمی داوطلبان را فراهم می سازد؛ دوم، آزمون ها می باید به صورت تشریحی باشد تا امکان ارزیابی دقیق و علمی دانشجویان وجود داشته باشد.

۲۱- باید ظرفیت پذیرش دانشجو در مقاطع تحصیلات تکمیلی تعدیل، و تناسب میان تعداد دانشجویان و استادان رعایت شود.
 ۲۲- باید روش دانشجویسالاری نیز تغییر کند و استادان برای جلب نظر دانشجویان از دادن نمره های غیرواقعی خودداری کنند. در صورت امکان باید ورود به دانشگاه تسهیل شود، ولی فراغت از تحصیل به راحتی ممکن نباشد.

۲۳- باید در مراکز آموزشی برنامه ای باشد که هر استاد تنها در رشته تخصصی خود تدریس کند و پایان نامه بگیرد.

۲۴- برای بهبود کیفیت آموزش حقوق باید از گسترش بدون ضوابط گروه دانشکده های حقوق جلوگیری کرد.

۲۵- یک راه حل آن است که در رشته های مقاطع تحصیلات تکمیلی، گرایش های مختلف ایجاد شود تا به سمت تخصصی شدن رشته ها پیش برویم.

۲۶- ایجاد دوره های کار آموزی دانشجویان برای آشنایی بیشتر دانشجویان حقوق با مسائل عملی حقوق، شایسته است.

۲۷- اهمیت دادن به درس های حقوق تطبیقی، فقه و اصول قضایی است.

۲۸- باید بر روند تصویب موضوع و دفاع از پایان نامه ها نظارت بیشتری صورت گیرد.

۲۹- گسترش رشته های میان رشته ای نیز یکی از راه حل هایی است که میتواند به بالندگی و توسعه نظام حقوقی ما کم، کند.

۳۰- برنامه ریزی جهت تربیت اخلاقی دانشجویان برای تصدی مشاغل حساس قضا یی است.

۳۱- برای یکنواخت کردن آموزش حقوق، به ویژه در مقطع کارشناسی باید کتاب های استاندارد، هرچند متعدد، که منطبق با برنامه های مصوب و دارای کیفیت لازم باشد.

۳۲- تقویت کتابخانه ها بر منابع علمی مرور نیاز در رشته های حقوق است.

۳۳- ایجاد تسهیلات برای چاپ کتابها و مقالات استادان.

۳۴- باید نظامی ایجاد شود که ممیزی داوری آثار با دقت بیشتری انجام شود تا حتی الامکان از ایرن اقدام عمل آید.

۳۵- ایجاد رابطه ساختاری میان دانشکده های حقوق و دستگاه قضا است.

وضعیت بازار و تغییر پر شتاب جامعه ایرانی در محتوا و نظام آموزش حقوق ایجاد شود. د

۱۲- معیارهای تدوین متون آموزش حقوق از نظر چگونگی رعایت اصول یادگیری سازماندهی محتوا و ساختار و مراحل تدوین متون آموزشی با استفاده از یافته های برنامه ریزی درسی و آموزشی تدوین شده و تهیه منابع آموزشی مطای این معیارها در دستور کار شورای تند و متون و مراجع مربوط قرار گیرد .

۱۳- به منظور توسعه و ترویج سنت نقد کتاب در حوزه حقوق سیاست های تشویقی به کار گرفته شود

۱۴- سرفصل های آموزش به روزرسانی و مستند سازی شود

۱۵- ضرورت دارد کسانی که میخواهند به عنوان هیئت علمی جذب مراکز آموزشی و پژوهشی شوند، قبل از اشتغال، دوره های آموزشی خاصی را طی کنند و در صورت موفقیت در عنوان ، آن عضو هیئت علمی جذب شوند.

۱۶- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به طور کلی اختیارات گروهها را سلب و شیوه جذب متمرکز از طریق وزارت علوم را ابداع کرد. این شیوه دارای معایب زیادی است؛ از جمله اینکه سبب شد صلاحیت های عمومی (که تشخیص آن هم دقیق و بی اشکال نیست) بر صلاحیت های علمی ترجیح داده شود و به صلاحیت های علمی کمتر توجه گردد و افراد بی سواد و کم مایه که اغلب دارای نفوذ سیاسی و اجتماعی هستند و شغل هیئت علمی را به عنوان شغل ثانوی و صرفا برای افزایش شأن و اعتبار اجتماعی و بهره برداری سیاسی انتخاب کرده اند، وارد دانشگاه ها و مراکز علمی شوند که این، آفت بزرگی است.

۱۷- تجدید نظر در ضوابط و آیین نامه های ترفیع و ارتقای اعضای هیئت علمی نظام ترفیع و ارتقای اعضای هیئت علمی نیز باید تغییر کند. چنان که گفته شد، در حال حاضر نظام یکسانی بر ترفیع و ارتقای استادان در رشته های مختلف علوم (علوم انسانی، فنی و مهندسی و علوم پایه) حاکم است.

۱۸- ایجاد نظام تشویق استادان برای کارهای پژوهشی اصیل و اسلامی برای تقویت حقوق ملی و اسلامی و جهت دادن پژوهش های استادان به آن سو، لازم است مشوق هایی برای آنان در نظر گرفته شود تا ایجاد انگیزه کند، از جمله پیش بینی موضوع در آیین نامه ارتقا است.

۱۹- افزایش سطح علمی استادان از طریق ایجاد تسهیلات لازم برای دانش افزایی

و فرصت مطالعاتی برای ارتقای علمی استادان، ایجاد تسهیلات برای برخورداری از فرصت های مطالعاتی و اعزام آنان به دانشگاه های معمر (داخل یا خارج) بسیار مفید است.

۲۰- باید شیوه جذب متمرکز دانشجو به ویژه در مقطع دکتری تغییر کند و همانند گذشته دانشکده های حقوق به صورت

۴- نتیجه گیری

از پژوهش های انجام شده و مطالعه میدانی و نظرخواهی از استادان و صاحب نظران پیشکسوت و باتجربه حقوق، می توان نتیجه گرفت که نظام آموزش و پژوهش حقوق در ایران دارای نقایص و ضعف های متعددی است و این امر علت ها و عوامل مختلفی دارد که مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و تغییر نگرش دانشجویان و داوطلبان نسبت به آموزش عالی و تحصیل در دانشگاهها و گسترش حس مدرک گرایی از یک سو، و سوء مدیریت در سطح عالی مدیریت آموزش عالی و دانشگاه ها و نگاه کمی و اقتصادی به علم و آموزش عالی به جای کیفی، از سوی دیگر، مهم ترین عوامل آنهاست. در دهه های اخیر، به دلایل مختلف (که در جای خود قابل بررسی است) گرایش شدیدی به سمت تحصیلات عالی و مدرک گرایی ایجاد شده است. این گرایشها نه از باب اشتیاق به آموختن و کسب علم و دانش، بلکه به انگیزه های مالی و اقتصادی و کسب موفقیت های اجتماعی و صرفا به منظور کسب مدرک دانشگاهی و برخورداری از امتیازات آن بوده است. با افزایش تعداد داوطلبان تحصیل در دانشگاهها، متصدیان آموزش عالی کشور، بی ضابطه و بدون رعایت حداقل ها، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی را گسترش داده، تعداد دانشجویان افزایش چشمگیری یافت که این امر موجب افت شدید آموزش و پژوهش در دانشگاهها شده است. چون جذب استادان برای تأمین اعضای هیئت علمی، به صورت غیراصولی و غیر علمی و بدون احراز شرایط لازم و صرفا بر مبنای دارا بودن مدرک دکتری و در برخی رشته ها و در گذشته مدرک کارشناسی ارشد) صورت گرفته، در حالی که برای استادی و معلمی، شرایطی لازم است و یکی از آنها علم است. پذیرش دانشجو نیز یا از طریق آزمون تستی و یا بدون آزمون صورت می گیرد که با این روش، به ویژه در رشته حقوق، نمی توان صلاحیت علمی دانشجو را برای تحصیل در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری احراز کرد. این روش موجب افزایش تعداد دانشجویان کم سواد در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد شده است. وجود نظام تورم نمره نیز موجب شده است که این افراد به راحتی فارغ التحصیل شوند و خود آنها نیز استادان آینده دانشگاه ها می شوند و این دور باطل ادامه می یابد. به علاوه، مشکلات اقتصادی و اجتماعی و انگیزه های مالی و اقتصادی در تحصیل علم و مدرک گرایی از یک سو، و اشتغالهای زیاد استادان به کارهای غیرعلمی برای امرار معاش از سوی دیگر، موجب رکود شدید آموزش و پژوهش و ترویج کپی برداری و انتشار آثار کم مایه علمی شده است. در کنار این عوامل کلی که اختصاص به رشته حقوق ندارد، استفاده از روشهای نادرست

آموزش حقوق و روش انباشت محفوظات به جای ایجاد قوه استنباط و استدلال و نداشتن ارتباط با دادگاه ها و دستگاه قضا و انطباق نداشتن برخی از عناوین و سرفصل های درسی با نیازهای جامعه سبب شده است که دانشجویان رشته حقوق مایه علمی مناسبی نداشته باشند

براین اساس، برای رفع این مشکلات باید چاره اندیشی کرد و مهم ترین راه حل تغییر روش جذب استاد و شیوه ترفیع و ارتقای آنان و تغییر شیوه پذیرش دانشجو و تربیت و آموزش او و تغییر نگرش مسئولان به آموزش عالی از کمیت به کیفیت است. دانشگاهها باید مراکز تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص باشند، نه بنگاههای اقتصادی و کسب درآمد و سرمایه. همچنین باید استقلال دانشگاهها در زمینه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و ... نیز حفظ گردد تا امید تحول و تغییر نگرش به وجود آید. به هر حال در این تحقیق تلاش شده است، آسیبها و راهکارهای مقابله با آنها شمرده و بررسی شود، ولی شایسته است در این زمینه تحقیق بیشتری صورت گیرد.

فهرست منابع

- [1] Safai SH, Kazemi M. "Research on the state of legal science, from the introduction of Islam to Iran until the Islamic Revolution". Journal of Comparative Law, 2008; 1(1). [Persian]
- [2] Safai SH, Kazemi M. "The state of law science in Iran after the victory of the Islamic revolution, with future direction", Journal of Comparative Law, 2008; 1(2). [Persian]
- [3] Jafari Langroudi M. one hundred articles on research methods in law. Tehran, Publications, 2003. [Persian]
- [4] Etaat J. Training and Development." Political-Economic Information, 1999; 13:11-12. [Persian]
- [5] Hosseinikhah A. 2007." The possibility and necessity of entrepreneurship education in schools." Curriculum Studies, 2007; 3(11): 66-94. [Persian]
- [6] Askari N. "Entrepreneurship Development in Universities." Journal of the Center for the Study of Education Evaluation of the Country – 3, 2008. [Persian]
- [7] Maqimi F. "Entrepreneurship, assessment and research." Journal of the Center for the Study of Education Evaluation of the Country – 3, 2008. [Persian]